

سنت عقیده‌نگاری فیلسوفان باستان یونان (با اشاره به دیدگاه هرمان دیلس)

حسین کلباسی‌اشتری^۱، بهناز عقیلی دهکردی^۲

چکیده

پیشاسقراطیان در سده ششم قبل از میلاد، شیوه‌های پژوهش در دو قلمرو علم و فلسفه را پایه‌گذاری کردند؛ نخستین رسالات علمی را نگاشتند و مفاهیم پایه در فرایند استنتاج را شناساندند. با وجود این، هیچ اثر مستقلی از ایشان بدست ما نرسیده و هرچه داریم پاره‌هایی منقول از سخنان ایشان در آثار پسینیان است که هرکدام پاره‌نوشته را در سیاقی متفاوت آورده‌اند. ولی این شیوه همواره در فهم سخن و ارزیابی پیشاسقراطیان کارآیی ندارد. هرمان دیلس با تألیف کتاب عقیده‌نگاری یونانی خود، شیوه‌ی نو در باب عقیده‌نگاری را مطرح ساخت. وی سنت عقیده‌نگاری را به کتاب تئوفراستوس، شاگرد ارسطو، بازگرداند. شیوه دیلس را دانشمندان بعدی - از جمله منسفیلد - نقد کردند. بر اساس نقد منسفیلد، تأثیر منابعی مانند سوفیستها، نظر ارسطو درباره عقیده بر گلچینها و کتابهای آموزه‌ی، سنت سلسله‌نگاری و آثار شارحان بر شکلگیری متون عقیده‌نگاری، چیزی است که در روش دیلس کمتر به آن بها داده شده است.

۱. استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)؛ hkashtari@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه غرب دانشگاه علامه طباطبایی؛ b2dehkordi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۱۰ تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۹



کلیدواژه‌ها: فلسفه یونان، پیشاسقراطیان، پاره‌نوشته، عقیده‌نگاری، عقیده، شواهد،

آموزه‌ها

* * *

درآمد

پیشاسقراطیان گونه‌یی نو از حکمت را به جهان شناساندند. ایشان بی‌هیچ سابقه‌یی، در سده ششم پیش از میلاد در هیئت حکیمانی پدیدار شدند که میخواستند نه فقط این یا آن رخداد یا سنت یا وضع، بلکه همه چیز را یکباره توضیح دهند. پیشاسقراطیان همچون دانش‌آموزان طبیعت، آغاز به اندیشه (منظم فلسفی) کردند.^(۱) آنان طبیعت را قلمرویی آزاد برای شناخت از راه توانشهای خود طبیعت گرفتند. در تفکر اسطوره‌یی آن عصر، حتی خود مفهوم طبیعت بنحو حیرت‌انگیزی بی‌پیشینه بود، اما آثار پیشاسقراطیان که نخستین رسالات علمی را نگاشتند و مفاهیمی را که اکنون بدیهی میدانیم بی‌نهادند، با گذشت زمان از دست رفت و آراء ایشان با پیشرفتهای بعدی در ابهام فرو رفت. با این حال، از دوران باستان به اینسو، پیشاسقراطیان بنیانگذاران راه جدید اندیشیدن دربارهٔ جهان^(۲) و ارتباط با جهان شناخته شدند.

آثار پیشاسقراطیان: پاره‌نوشته‌ها و شواهد

پیشاسقراطیان در نوشتن پیش‌رو بودند. آناکسیمندر اگر نه نخستین، از زمره نخستین اندیشمندانی بود که دیدگاه‌هایش را در زمانی که خواندن در یونان نسبتاً هنری تازه و مصالح نوشتن نیز گران‌بها بود، به نثر نوشت. بواقع رساله‌های او گونه‌یی کاملاً نو از نثر را بنا نهاد که بعدها بنام *درباب طبیعت*^۱ شهرت یافت. این عنوان در پایان سده پنجم، هنگامی که نام‌گذاری برای کتابها متداول گردید، آشکار شد.^(۳) اما در عین حال نشان از گونه‌یی کیهان‌شناسی/کیهان‌بن‌شناسی^۲ دارد که فیلسوفان

1. *peri phuseōs*
2. *cosmogony*

نخستین در نظر داشتند. شاید نخستین آثار موسوم به در باب طبیعت، چکیده‌های کوتاهی بودند از یک تلاش فکری مستمر و شاید با مقاصد آموزشی و معمولاً در قالب تک‌نگاری، یا مجموعه‌یی از پاپیروسها.^(۴) بتدریج این آثار نایاب شدند و بطور معمول حتی برای یونانیان باستان پس از ارسطو نیز دشوار یاب گردیدند. از میان آثار به‌تمامی ناپدید شده، آنچه بر جای مانده، یا گزارشهایی است دربارهٔ آنها («شواهد»^۱) آن هم در خلال منابع باستانی، یا نقل قولهایی («پاره‌نوشته‌ها»^۲) است جای گرفته در دیگر آثار و یا در اندک پاره‌های دست‌نوشته نجات‌یافته از نابودی. وظیفه‌یی که بر دوش خواننده جدید است، بازسازی فهمی از درونمایه این «پاره‌های پراکنده»^۳ است که خود امر سهل و ساده‌یی نیست.

لازم به گفتن نیست که بازسازی باید از اسنادی شروع شود که از شماری متن برجای مانده از دوران باستان تشکیل شده است. پیش از اختراع دستگاه چاپ در سده پانزدهم میلادی، کتابها با دست بازنویسی میشدند و نسخه‌ها هم اگر نجات مییافتند، نسل به نسل با فساد نوشت‌افزار (پاپیروس یا پوست) از میان میرفتند. به سبب هزینه مواد و ساعت کار مورد نیاز برای بازنویسی، کتابها کمابیش گران و نایاب بودند. طی دوره‌یی طولانی، بقای کتب به پسند خوانندگان و بخت تاریخی بسته بود.^(۵) از آنجا که معمولاً هر متن باستانی رونوشتی از یک متن و متن اخیر نیز بنوبه خود رونوشتی از متنی دیگر است، اشتباهات در هر مرحله میتواند به نسخه‌ها نیز سرایت کنند. در برخی موارد، نسخه‌های بازمانده با یکدیگر نمیخوانند و خود متن اصلی باید از میان خوانشهای متفاوت بازسازی شود.^(۶) حتی با وجود متون معتبر پیش روی ما، کار تفسیر، تازه در آغاز راه است و چالش اصلی آن است که اندیشه اندیشمندی را که در زمان و جایی بس دور و در فرهنگی متفاوت و به زبانی غریب سخن میگفته، بفهمیم. ما در چشم یونانیان باستان در مقولاتی چون زبان، سنت و فرهنگ همچون بررها، غریبه بشمار می‌آییم^(۷) و لاجرم باید بگونه‌یی

1. *Testimonia*
2. *ipsissima verba, Fragments*
3. *disiecta membra*



حسین کلباسی اشتری، بهناز عقیلی دهکردی؛ سنت عقیده‌نگاری فیلسوفان باستان یونان

جهان یونانی و دلمشغولیهای ایشان را بفهمیم. در این زمینه، شواهدی از شرحهای باستانی یاریگرند، زیرا نویسندگان آنها تا اندازه‌یی به اندیشه پیشاسقراطیان آگاهی داشتند. شماری از (و نه همه) آنها نیز به مجموعه کامل نوشته‌های پیشاسقراطی دسترسی داشتند، اما بیشتر شارحان دست‌کم یک سده بعد از اندیشمندی که درباره‌اش نوشته‌اند، می‌زیسته‌اند، البته در همان پهنه فرهنگی، ولی در زمانی متفاوت و با شرایط فرهنگی متفاوت. از آن گذشته، آنها مانند دانشمندان جدید چندان به دگرگونیهای تاریخی نظرگاه، خودآگاه نبودند^(۸) و چندان نیز در بازسازی متعهدانه متن، باریک‌اندیش نبودند.

منابع برای مطالعه پیشاسقراطیان

تا اینجا دانستیم که دانش ما از پیشاسقراطیان از منابع باستانی دست دومی می‌آید که نگرشها و گرایشهای ویژه خود را به این گروه از فیلسوفان دارند. گزارشهای تاریخی موجود در اینباره را ذیل چهار عنوان طبقه‌بندی میکنیم:

الف) فیلسوفان

فیلسوفان پسین هر یک نحله فلسفی خاص خود را پیش میبردند. گرایش چیره ایشان این بود که پیشاسقراطیان را نیاکانی بخوانند که با آنان دلمشغولی پژوهشی مشترک دارند؛ هرچند در مواردی از بحث، هم‌ساز یا ناهم‌ساز بودند. افلاطون نخستین فیلسوفی است که نوشته‌هایی گسترده‌یی از او در دست داریم (در واقع همه نوشته‌های شناخته‌شده او موجودند). او نه مانند یک مورخ (و نه حتی مانند فیلسوفی سراسر است) بلکه همچون نویسنده‌یی ادبی، گفتگوهای معمولاً با محوریت سقراط مینوشت. بطور کلی در این گفتگوها، شخصیت‌های پیشاسقراطی جانبدارانه وارد بحث میشوند؛ مانند هراکلیتوس و پروتاگوراس در محاوره *تئیتوس*^(۹). خرسندی افلاطون بیشتر به این است که آراء ایشان را بعنوان بخشی از گفتگوی

1. *Theaetetus*

در گرفته با سقراط ارزیابی میکند؛ هر چند در *تئتوس*، پروتاگوراس به دفاع از خود برخاسته و سقراط را بخاطر برخی ویژگیهای اخلاقی نقد میکند.^(۱۰) اما ارسطو بیشتر رساله مینویسد تا گزارش گفتگو (به بیانی دقیقتر، نگارشهای ادبی او کاملاً مفقود شده، در حالی که سخنرانیها یا رساله‌های مدرسه‌اش باقی مانده‌اند). وی در این رسالات، قلمرو دانش را به شاخه‌هایی تقسیم میکند و اغلب با جستجو در ادبیات بحث، دیدگاههای پیشین در موضوع مورد بحث را از نظر میگذراند (مانند *درباب نفس*، کتاب اول) و بیشتر سلوکی گشاده‌دستانه در نقل نظریات پیشاسقراطیان دارد.^(۱۱) ارسطو هرگز نظر نیاکانش را بخودی خود مهم نمیدانست، اما آنها را جدی میگرفت و به آنها پاسخ میداد؛ گاه با دقت و گاه شتاب‌زده.^(۱۲) در واقع او شیوه آغاز هر بحث فلسفی را این میدانست که دیدگاههای اسلاف را ارزیابی کند و پاسخ دهد.^(۱۳)

شاگرد و همکار ارسطو، *تئوфраستوس*، شیوه استادش را به کمال رساند و چکیده‌یی از شانزده کتاب، *آموزه‌هایی در باب طبیعت*^۱ را منتشر ساخت که دست‌کم بخشی از آن به شیوه جدلی (پرداختن به آراء ناهمساز) تدوین شده است. این آراء با سرفصلهایی جدا شده و هم‌دوش نظریات هم‌آورد در موضوع مفروض قرار گرفته‌اند. بنظر میرسد فایده این نظوروزی، فراهم ساختن نظامی از ایده‌ها بود که در هر مناسبتی کارآمد باشد.^(۱۴)

ب) عقیده‌نگاران

نوشته‌های ارسطویی ما را به گونه دیگری از نوشتار در دنیای باستان میرساند: «عقیده‌نگاری»^۲ (برگردان کلمه‌یی که هرمان دیلس از ریشه‌های یونانی ساخته است). با فرض دشواری بازسازی کتابها و بازار بظاهر پرشور فرهنگهای ایده محور، نسخه‌های کوتاه‌شده‌یی از اثر *تئوфраستوس* (گزیده‌ها)^۳ تا پایان دوران باستان رایج بودند. بظاهر پیش

1. *Doctrines on Nature*
2. *Doxography*
3. *Epitomes*



حسین کلباسی اشتری، بهناز عقیلی دهکردی؛ سنت عقیده‌نگاری فیلسوفان باستان یونان

از آن یعنی در آغاز سده سوم پیش از میلاد اثری موجود بوده که دانشمندان جدید آن را کهن‌ترین آموزه‌ها^۱ میخوانند؛ اثر دیگری در حدود سده نخست قبل از میلاد به آموزه‌های کهن^۲ و دیگری در سده نخست پس از میلاد به آموزه‌ها - نوشته ائتیوس^۳ - مشهورند.^(۱۵) بنظر میرسد هر بار کتابها کوتاهتر شده‌اند، ولی نسخه ائتیوس که تا نسل بعدی فیلسوفان را نیز دربرمیگیرد، باز توسط پلوتارک مجعول^۴ گزیده شده و بدست استوبائوس در گلچین^۵ معروفش جای گرفته است. هسته مرکزی این مجموعه‌ها به تئوفاستوس بازمیگردد، ولی موادی تازه نیز به آن پیوسته‌اند. وجود پیاپی مجموعه‌های عقیده‌نگاری، نشان از درخواستی مستمر برای چنین آثاری دارد. بظاهر جان استوبائوس^۶ (سده پنجم پس از میلاد) گلچینی چند جلدی در نظر داشته که قرار بوده برترین متن آموزشی بشمار رود^(۱۶)، ولی وی برساختن مجموعه خویش را بر فرزندش تحمیل کرده است.^(۱۷) ممکن است بپذیریم که بیشتر این چکیده‌ها، حتی اندکی بهتر از چکیده‌ها و سرقت‌های ادبی قبلی بوده باشند (استوبائوس یک استثنا بود)، ولی داده‌ها پیوسته در گذر زمان از بین رفته‌اند. اما همچنان با در نظر گرفتن تبارنامه‌شان، مجموعه‌های آموزه‌یی^۷، داده‌های ارزشمندی را به دنیای معاصر منتقل میکنند. با اندکی تسامح میتوان اینها را در ردیف نخستین آثار در زمینه «تاریخ فلسفه» بشمار آورد، ولی نه بمعنای فهم متأخر بشر در باب تاریخ و احکام مربوط بدان که وجهی کاملاً سوبژکتیو به خود گرفته‌اند. در مورد عقیده‌نگاری در ادامه بیشتر بحث خواهیم کرد.

ج) زندگینامه‌نویسان

گونه دیگری از نویسندگان پساارسطویی را میتوان زندگینامه‌نگاران نواندیش نامید؛ برای نمونه، شاگرد ارسطو، اریستوکسنوس^۸ چند زندگینامه از فیلسوفان

-
1. *Vetustissima Placita*
 2. *Vetusta Placita*
 3. *Aëtius*
 4. *Pseudo Plutarch*
 5. *Anthology*
 6. *Stobaeus*
 7. *Placita*
 8. *Aristoxenus*



نوشت و در سده دوم قبل از میلاد، سوتیون^۱ مشائی سلسله‌های فیلسوفان^۲ را در سیزده جلد نگاشت. با اینکه بدست آوردن داده‌های زندگینامه‌هایی درباره افلاطون یا ارسطو به نسبت ساده بود، در مورد پیشاسقراطیان دشواریهایی وجود داشت و زندگینامه‌ها عموماً از پاره‌های اطلاعات، حکایات و چیزهایی مجعول برمی‌آمد. بنابراین، زندگینامه‌های فلسفی پر بود از آموزه‌هایی از عقیده‌نگاریها؛ اما از آنجایی که در عقیده‌نگاریهای رایج، آراء اسلاف در قالب سرفصلهای مستقل آمده بود، زندگینامه‌نگار باید بسراغ این دفترهای عقیده‌نگاری میرفت و آموزه متعلق به هر فیلسوف مورد نظر را استخراج و همراه با ارزیابی فیلسوفانه، مجموعه را مجدداً جمع میکرد.^(۱۸) به هر روی، این روش هم معلوم نبود بیان روشمندی در اختیار ما بگذارد، بلکه تنها آموزه‌های اندکی را به بهانه زندگینامه کنار هم میچید. مجموعه زندگینامه سترگی که از دوران باستان سالم باقی مانده از آن دیوگنس لائرتیوس^۳، زندگینامه‌نگار آغاز سده سوم پس از میلاد، با عنوان *حیات فیلسوفان نامدار*^۴ است که بیش از اینکه متأملانه باشد، به شیوه‌گزینش و الحاق داده‌ها بعمل آمده است؛^(۱۹) با این حال تنها اثر جامعی است که از نخستین سده‌های میلادی در این باب بدست ما رسیده است.

د) تاریخ‌نگاران دوران باستان

تاریخ‌گزارشی ساده مبتنی بر داده‌های قدیمی نیست، بلکه اصولاً دانشی پیچیده است. همه ما اکنون نیک میدانیم که تاریخ فلسفه پیکره‌یی مهم از دانش فلسفی است، اما در دوران باستان تاریخ فلسفه بمعنای واقعی کلمه وجود نداشت. افلاطون اغلب در برخورد با دیدگاههای پیشین به نوعی گزینش دست میزند. کتاب نخست *مابعدالطبیعه* ارسطو نزدیکترین اثر به آثار تاریخ فلسفه است که میشود یافت و برآستی هم ارزشمند است، ولی این تاریخ‌نگاشت نیز ادامه بخشی از شیوه تفسیری

1. Sotion
2. Successions of the Philosophers
3. Diogenes Laertius
4. *Lives of the Eminent Philosophers*



حسین کلباسی اشتری، بهناز عقلی دهکردی؛ سنت عقیده‌نگاری فیلسوفان باستان یونان

ارسطوست، نه بررسی بیطرفانه نظریات گذشته. ارسطو با تعصب به نظریه‌های علیت یا تبیین علمی چشم دوخته است.^(۲۰) با اینهمه نزد افلاطون و ارسطو برخوردی کلی با نیاکان میبینیم که بنظر میرسد مرده‌ریگ نویسندگان پیشین باشد؛ وحدت‌گراها در برابر کثرت‌گراها، طرفداران حرکت در برابر طرفداران سکون و مانند آن. این برخوردها بظاهر از دو سوفیست معروف یعنی هیپاس الیسی^۱ و گرگیاس لئونتیایی^۲ سرچشمه گرفته‌اند.^(۲۱)

عقیده‌نگاری

پژوهشها در باب فیلسوفان و فلسفه‌های نخستین و حتی گلچینهایی از سخنان ارزشمند آنها بمنظور بهره‌گیری عمومی نگاشته می‌شدند، ولی بخشهای عقیدتی این آثار و چکیده‌هایی که از آنها تهیه میشد، گرچه مطالب سستی را دربرداشتند، اغلب به‌روز می‌گشتند؛ بدینمعنا که گرایشهای زمان خود را باز میتاباندند^(۲۲)، و این از روی قاعده، تنها کار فیلسوفان حرفه‌یی بود. بنابراین، گزارش انظار فیلسوفان نخستین یونان^(۲۳) تنها بصورت پاره‌نوشته نبود، بلکه اغلب رنگ عوض میکرد و حتی سمت و سویی خاص به خود میگرفت.^(۲۴) این سیر و تحول در عقیده‌نگاری، در قرن نوزدهم و در پژوهش سترگ هرمان دیلس نشان داده شد.

الف) هرمان دیلس: عقیده‌نگاری یونانی

هرمان دیلس توجه به گزارش دانش پیشاسقراطیان را که هنوز هم کم و بیش رایج است، در اثر ماندگار خود در سال ۱۸۷۹ م. موسوم به *عقیده‌نگاری یونانی*^۳ پرورش داد. «عقیده‌نگار»^۴ و «عقیده‌نگاری»^۵ واژه‌های یونان باستان نیستند، بلکه نوآژه‌هایی هستند^(۲۵) که دیلس برای نشان دادن اختلاف ریشه‌یی آن با زندگی‌نامه‌نگاری^۶ که از

1. Hippias of Elis
2. Gorgias of Leontini
3. *Doxographi graeci*
4. doxographer
5. doxography
6. biography



نظر او گزارش گونه‌ی است از اساس غیرقابل‌اعتماد، بر ساخته است.^{(۲۶)(۲۷)} دیلس که بر اساس نظر استادش، اوسنر^۱ و نیز بر اساس سازوکار آموزشی^(۲۸) رایج در قرن نوزدهم در آلمان و به قصد گسترش بخشی از سنت کم و بیش فراموش شده‌ی که در قرن شانزدهم شروع شده بود، اثبات کرد که عقیده‌نگاری راستین در عهد باستان، با رساله‌هایی موضوع‌بنیاد در شانزدهم جلد کتاب آغاز گردید و تنها پاره‌نوشته‌های آن رساله‌ها (که بدست اوسنر گردآوری و ویرایش شده‌اند) بازمانده است.^(۲۹) این کتاب را - چنانکه گذشت - شاگرد و پیرو ارسطو، تئوفراستوس تدوین کرده و عنوان آن *آموزه‌های فیلسوفان طبیعی*^۲ - یا *آنطور که عده‌ی می‌گویند-آموزه‌های طبیعی*^۳ بوده است.^(۳۰)

دیلس معتقد است در مقطعی از دوره یونانی‌مآبی، اثر تئوفراستوس دچار دگرگونی شد؛ هم خلاصه شد و هم به منظور دربرگرفتن دیدگاه‌های فیلسوفان یونانی‌مآب و حتی برخی پزشکان و ستاره‌شناسان گسترش یافت.^(۳۱) دیلس این مجموعه را - که بنابر برخی گزارشها، بسیاری از جمله اپیکوریها^۴، سیسرون^۵، وارون^۶، ائسیدموس^۷ که که منبع اصلی سکستوس امپریکوس^۸ از پیرهونیه‌های جدید اواخر قرن دوم میلادی بود، سورانوس^۹ طبیعیدان (حدود سال یکصد پس از میلاد)، پدر روحانی ترتولیانوس^{۱۰} (حدود سال دویست پس از میلاد) و بسیاری دیگر از نویسندگان از آن بهره بردند - *آموزه‌های کهن* میخواند. اثر مذکور که اکنون موجود نیست، از آن زمان که نوشته شد، باز کوتاه‌تر شد و بدست شخصی به نام ائتیوس در قرن نخست میلادی بازنگری شد. اما *آموزه‌های ائتیوس* نیز از دست رفته است، ولی دیلس بازساخته‌ی آن فراهم آورده که گرچه خالی از ایراد نیست، ولی در اساس درست است.^(۳۲) دیلس نشان می‌دهد:

1. Usener
2. *Physikôn Doxai*
3. *Physikai Doxai*
4. Epicureans
5. Cícero
6. Varro
7. Aenesidemus
8. Sextus Empiricus
9. Soranus
10. Tertullianus



۱. نسخه بازمانده از تئوфраستس یعنی آموزه‌ها که منسوب به پلوتارک است (ولی در واقع اثر پلوتارک مجعول است) و مربوط به قرن دوم میلادی است، نسخه (بسیار) کوتاه شده اثر ائتیوس است.^(۳۳)

۲. ایانس استوبائوس (قرن پنجم میلادی) در اولین کتاب از گلچین بسیار مفصل خویش - که تنها بخشی از آن بجای مانده و چکیده‌های طبیعی خوانده میشد - بخشهای زیادی از اثر ائتیوس و موارد مهمی را که پلوتارک مجعول حذف کرده بود، آورده است.^(۳۴)

۳. پدر روحانی تئودورت (قرن پنجم میلادی) در اثر خود یعنی *درمان بیماریهای یونانیان*، تنها منبعی که در آن (سه بار) نام ائتیوس آمده، بسیار گسترده از اثر ائتیوس بهره برده است.^(۳۵)

کتاب *عقیده‌نگاری یونانی دیلس*، نسخه‌هایی از پاره‌نوشته‌های تئوфраستوس، نخستین کتاب ردیه هیپولوتوس^۱، بخشهایی از سیسرون و فیلودموس و آثار کمتر مشهور را نیز دربردارد. بر این اساس، دیلس ادعا میکند که داده‌های مربوط به فیلسوفان پیشاسقراطی را که در بازساخته کتاب ائتیوس آورده است - گرچه در جریان انتقال کاسته شده و تغییر کرده‌اند - اگر رد آنها را بگیریم، درنهایت به اثر بزرگ تئوфраستوس میرسند. این گفته گونه‌ی اعتبار تاریخی به چیزهایی که در این بازآفرینی آورده شده‌اند، میبخشد.^(۳۶) چنین اعتباری را میتوان برای نویسندگانی قائل شد که در آثارشان از *آموزه‌های کهن* (اثری که دیلس احتمالاً آگاهانه نمیخواست بازسازی از روی آن باشد) استفاده کرده‌اند. دیلس میگوید: متونی که نام آنها در ادامه می‌آید، به میزان زیادی وامدار تئوфраستوس هستند: بیشتر فرازهای **۱۶** عقیده‌نگاری نخستین بخش کتاب نویسنده مسیحی یعنی هیپولوتوس - به نام ردیه بر همه بدعتها^۲ (آغاز قرن سوم میلادی) - و همچنین فرازهای کتاب *استومایها* اثر پلوتارک مجعول دیگری که اوسیبوس^۳ آنها را ثبت کرده و چندین فصل از فصول

1. Hippolytus
2. *Refutation of all Heresies*
3. Eusebius

کتاب نویسنده ناشناسی که شاید دیوگنس لائرتیوس باشد (و نویسنده اخیر نیز در قرن سوم میلادی میزیسته) و به احوالات و عقاید فیلسوفان کهن پرداخته است (بنام زندگی و عقاید کسانی که در فلسفه ممتازند و اصول هر فرقه) و در نهایت برخی دیگر از آثاری که کمتر اهمیت دارند.^(۳۷)

ب) پاره‌نوشته‌های پیشاسقراطی

این بازسازی دست دوم از سنت عقیده‌نگاری، مبنای کتاب برجسته دیگری از دیلس یعنی پاره‌نوشته‌های پیشاسقراطی است. این کتاب که هنوز هم در سطح وسیعی، مرجع دانشگاهیان است، نخست در سال ۱۹۰۳ م. منتشر گردید و سپس سه بار بدست خود دیلس بازنگری و گسترش داده شد و در نهایت ویراست پنجم (۷-۱۹۳۴) و ششم (۱۹۵۲) آن را والتر کرنتس^۱ بازنگری کرد و مجلد ضروری نمایه را نیز بدان افزود. این کتاب نیز بطور مکرر تجدید چاپ شد و همچنان مرجع پایه متون فیلسوفان نخستین یونان است؛ هرچند از ویراست ششم کرنتس ببعد، دیگر تغییری نکرد. این نسخه نهایی سه جلدی، تمام شواهدی را که از پیشاسقراطیان در دست داریم، جمع‌آوری کرده و مشتمل بر سه بخش اصلی است: بخش (الف)^۲ شامل تمامی گزارشهای همعصر یا پسیتتر درباره زندگی و آموزه‌های هریک از پیشاسقراطیان بتنهایی؛ بخش (ب)^۳ شامل تمامی نقل‌قولهای مستقیم (پاره‌نوشته‌ها) از آثار پیشاسقراطیان در بافت ضروری آنها و سرانجام بخش سوم^۴ شامل همه الگوبرداریها.

شیوه معرفی نیمه - زندگی‌نامه‌یی دیلس، گرچه مبتنی بر فرضیه‌های آشکار از نحوه انتقال دانش پیشاسقراطیان به پسینیان بود، پایه‌های خود را در تاریکی می‌گذاشت و مانع دسترسی مخاطب به خود منابع اصلی میشد.^(۳۸) پاره‌نوشته‌های هر فیلسوف پیشاسقراطی محدود بودند و اعتبار نسبی هر قطعه براساس جایگاهی تعیین میشد که در بازساخت دیلس - برحسب منبع کهن آن در نظر گرفته شده بود،

1. Walther Kranz
2. A-fragments
3. B-fragments
4. C-fragments

۱۷



حسین کلباسی اشتری، بهناز عقیلی دهکردی؛ سنت عقیده‌نگاری فیلسوفان باستان یونان

و البته از داوری دیلس مبنی بر میزان صحت آن منبع نیز متأثر بود. گویی پاره‌نوشته‌های دست اول، آثار هنری کشف‌شده‌یی در جریان حفاریهای باستان‌شناسانه‌اند که صرف‌نظر از آسیب‌هایی که در زمان کشف آنها به بار آمده است، فی‌نفسه ارزشمندند. البته این نظرگاه به‌تمامی نادرست نیست؛ برخی پاره‌نوشته‌ها اغلب از یک منبع به منبع دیگری رفته‌اند و سیاقی که آنها را در خلال آن یافته‌ایم، هیچگاه برای تفسیر پاره‌نوشته تعیین‌کننده نیست، حتی در مواردی میتوانیم نسبتاً یا کاملاً مطمئن باشیم که آنچه آمده، از متن اصلی برداشته شده است. در اینجا باید هوشیار بود که لزومی ندارد نقل‌قول همیشه دقیق باشد؛ ایرادها غیرقابل پیش‌بینی و متونی که نقل میشوند باید با زمینه و سیاقشان همسو گردند.

نقد روش هرمان دیلس

پیش از بازسازی دیلس از متن ائتیوس، دانشمندان آلمانی یونان‌پژوه میپنداشتند تمامی آن منابعی که در فوق اشاره کردیم و نویسندگان بعدی از آن استفاده کرده یا آن را بازنگری کرده‌اند، بصورت یک منبع عمومی در زمان سیسرون وجود داشته‌اند.^(۳۹) اگر بازسازی دیلس از ائتیوس را به یکسو گذاریم، آنچه میماند همان آموزه‌های کهن خواهد بود. از همین‌روست که آن بخشی که دیلس بشکلی کلی به آموزه‌های کهن میپردازد، اصلاً رضایت‌بخش نیست و هرچه به تئوفراستوس نزدیکتر میشویم، راه پرخطرتر می‌گردد. منسفیلد میگوید: دیلس در ادامه راه استادش اوسنر، میتوانست مطمئن باشد بیشتر پاره‌نوشته‌های مفصلی که (آنهایی که به اصول میپردازند) از نوشته‌های عقیده‌نگارانه تئوفراستوس سر درمی‌آورند، از کتاب طبیعیات ارسطو نقل شده‌اند؛ گرچه دیلس جز اشارات اندکی نتوانسته است تأثیر ارسطو و شباهت روایت ارسطو و تئوفراستوس از اصول فلسفه نخستین یونان را - آنطور که باید و شاید - نشان دهد.^(۴۰) در نسخه دیلس - کرنس، اغلب فرازهای ارسطو که به فیلسوفان پیشاسقراطی پرداخته‌اند آمده، ولی نقش ارسطو در شکل دادن سنت عقیده‌نگاری کم‌رنگ شده است.

۱۸



هدف اصلی دیلس آن بود که تا جایی که ممکن است با آشکار کردن آنچه وی «سنت ناسالم عقیده‌نگاری» میدانست، به ریشه سالم مانده و تئوفاستوسی سنت عقیده‌نگاری و در نتیجه به قلب خود فلسفه پیشاسقراطی نزدیک شود. این گونه‌یی روند نجات افکار و عقاید پیشینیان بود که میتوانست در نوع خود رهیافت و رهاورد اندکی باشد، ولی دیدگاه او توسط کسانی مانند منسفیلد، تسلر^(۴۱) و دیگران مورد بازنگری قرار گرفته است. بر اساس بررسی منسفیلد^(۴۲) سنت عقیده‌نگاری آنگونه که دیلس کمتر به آن پرداخته، شامل بخشهای زیر است:

الف) هیپاس، گرگیاس و افلاطون

در روزگار باستان، دو مجموعه عقاید وجود داشته که دو سوفیست آنها را مدون ساخته بودند؛ هیپاس و گرگیاس. بظاهر افلاطون و ارسطو از آنها اثر پذیرفته و استفاده کرده‌اند.^(۴۳) هیپاس گلچینی موضوع محور از نظریات مرتبط به نظم و نثر بر ساخته و علاوه بر کسانی که فیلسوف خوانده میشدند، شاعران را هم در شمار آنان آورده است. این کار باید بدین جهت بوده باشد که دسترسی آسان را به آنچه باید «گستره ناهمگونی» از عقاید نامید، فراهم می‌آورد. هیپاس با کنار هم چیدن نظریات مرتبط از شعرای کهن گرفته تا شعرای زمان نزدیک به خودش، بر توافق و پیوستگی افکار تأکید میکند. تأثیر مهم رویکرد او را نزد افلاطون و ارسطو مبینیم (در افلاطون رساله‌های *کراتیلوس*، *مهمانی*، *تئتوس* و در ارسطو کتاب پنجم *متافیزیک* و رساله *در باب نفس*).

از سوی دیگر، گرگیاس بر آنچه ناهماهنگی حل‌ناشدنی فیلسوفان میدانست، پای می‌فشرد. هنوز هم بند کوتاهی از متن اصلی او را که نکته مهمی از نظریات قوی اوست، در دست داریم. این بند که در کتاب *طبیعیات* ارسطو (کتاب سوم، بخش پنج) آمده از کتاب دیلس - کرنس حذف شده است. در این عبارت، گرگیاس، فیلسوفان را کسانی تعریف میکند که عقیده‌یی را جای عقیده‌یی می‌گذارند؛ یکی را نابود و دیگری را جایگزین میکنند؛ و باورنکردنی و مبهم را پیش چشم روشن می‌سازند.^(۴۴) کتاب

۱۹



حسین کلباسی اشتری، بهناز عقلی دهکردی؛ سنت عقیده‌نگاری فیلسوفان باستان یونان

گرگیاس بر روی دو اثر منسوب به بقراط، روی کسنوفون، ایسوکراتس و حتی افلاطون اثر گذاشت. افلاطون و ارسطو رویکرد هیپیا و گرگیاس را درآمیختند و به آنچه خود داشتند افزودند. افلاطون با مطالعه همین آثار بود که بتدریج به استاد بزرگی تبدیل شد که با تسلط کامل بر آراء گذشتگان و بحث و مقایسه آنها کوشید از آنان فراتر رود. البته افلاطون بیشتر رویکرد مکالمه‌یی داشت تا عقیده‌نگارانه و کمابیش سازوکار مستحکمی که در پس تفسیر او نشسته بود، به شکل گفتگویی فرضی میان افراد با فرهنگ عرضه شد، نه بشکل اجزاء یک رساله فنی.

ب) ارسطو، تنوفاستوس و آموزه‌های پسین

ارسطو، شاگرد مستقیم افلاطون، مجموعه‌یی از رساله‌های نظام‌مند عرضه نمود که در آن به عقاید پیشینیان پرداخته است. کتابخانه او شامل دست‌نوشته‌هایی بود از خلاصه عقاید و نقل قول‌های کسانی نظیر ملیسیوس، آلکمائون، فیثاغورسیان، گرگیاس، زنون، دموکریتوس، آرختاس و غیره. پاره‌نوشته‌های اندکی از این آثار در اختیار شارحان ارسطو بود. او همانطور که گفته شد، از گلچین هیپیا و اثر گرگیاس و بطور قطع از روش افلاطون در نقل و استفاده از آثار پیشینیان متأثر بود^(۴۵)، ولی ارسطو رویکرد افلاطون را ذیل روش دیالکتیک درآورد که اصول آن را در *تحلیلات ثانی* و کتاب *جدال* آورده است. شاید بهترین مثال این فرایند، بحث از آراء گذشتگان از طالس تا افلاطون براساس نظریه چهار علت است که بخش زیادی از کتاب اول *متافیزیک* را به خود اختصاص داده است.^(۴۶) بر اساس روش ارسطو، هر گزاره‌یی با یک عقیده (دکسا)، شخصی و ملموس میشود. از آنجایی که سه جور گزاره داریم، پس سه جور عقیده داریم: اخلاقی، طبیعی، منطقی.^(۴۷) این تقسیم ارسطو، عنوان رساله تنوفاستوس، *عقاید طبیعی*، را برای ما روشن می‌سازد و همچنین درمی‌یابیم که این رساله به چه دسته‌یی متعلق است.

بسادگی میتوان تأثیر عمیق روش ارسطو را در ادبیات آموزه‌ها دید^(۴۸)، زیرا در بسیاری موارد، نوع مسئله و مقوله ارسطویی، ترتیب هر فصل و کل سلسله فصلها را



در کتاب پلوتارک مجعول تعیین میکند. در بسیاری از فصلها، پلوتارک ابتدا با بحث در وجود موضوع آغاز مینماید و سپس به نظریات مختلف درباره ماهیت جوهری و سپس اعراض آن میپردازد. تئوфраستوس نیز عقاید طبیعی را با جمع‌آوری و نظام‌بخشی به عقاید طبیعیدانان (یا شاید برخی پزشکان) و اساس جنس و نوع ارسطویی و کاربرد روش تفکیکی ارسطو در تعیین شباهت و عدم شباهت و تعیین نوع مسئله و مرتب کردنش براساس مقولات ارسطویی پی‌ریزی کرد. اگرچه روشن است که تئوфраستوس روش ارسطو را بازنگری کرده و چارچوب آموزه‌ها را بر همین روش بازنگری شده، استوار کرده است.^(۴۹)

ج) سلسله‌نگاری، دیوگنس لائرتیوس

سلسله فیلسوفان^۱ گونه‌ی ادبی و یونانی‌مآب است که در آن هیچ نقل قول مستقیم و محتوای مفصلی نمی‌آید. نخستین کسی که به این گونه ادبی نگاشت سوتیون (آغاز قرن دوم پیش از میلاد) بود که دیوگنس اغلب از او نقل قول میکند.^(۵۰) انگیزه نوشتن چنین کتابهایی بیشتر اهداف آموزشی مدارس فلسفی آن زمان بوده است. در این مدارس پیشاافلاطونی هر رئیس موسسه، جانشینی^۲ داشت که انتخاب میشد و این روند تا نسلها ادامه داشت. این سلسله‌ها بصورت‌های گوناگون به مدارس فلسفی بعدی مرتبط بودند. پس در مواردی که پیوستگی عقیده‌ی فرضی یا واقعی وجود داشته باشد، ممکن است سلسله‌ی در کار باشد. ارسطو، افلاطون و تئوфраستوس گرایش به دسته‌بندی افراد براساس پیوستگی عقیدتی داشتند (مثلاً ارسطو در *متافیزیک* 5-4 b 985 و 22 b 986 و افلاطون در رساله *پارمنیدس* 127b و 128a). افلاطون در رساله *سوفیست* 242d از «خاندان الثایی» سخن میگوید. آنچه در این زمینه نقش مهمی دارد، گرایش برخی فرقه‌ها به یافتن نیاکان بزرگ فلسفی برای خودشان است. رواقیان میل داشتند فلسفه خود را برگرفته از هراکلیتوس بخوانند و در نتیجه تفسیری رواقی از هراکلیتوس پیش مینهادند.^(۵۱) برای خود فیلسوفان، سلسله بزرگی که از سویی از طالس و از سوی دیگر از

۲۱

1. *Diadochai tôn philosophôn, Successions of the Philosophers*
2. *diadochos*



فیثاغورس تا دوره یونانی‌مآبی را دربرمیگیرد، مفروض است. سلسله ایونیه‌ها از طالس شروع میشود و شامل ایونیه‌ها و «سقراطی‌ها» است که خود شامل سقراطیه‌های خرد، آکادمی، مشائیه‌ها، کلیه‌ها و رواقیون است. سلسله ایتالیاییه‌ها با فیثاغورس آغاز میشود و شامل الثاییه‌ها، اتم‌باورها، پیرهونیه‌های نخستین و اپیکوریه‌است.^(۵۲) شاید بتوان از نگاهی دیگر سلسله سومی هم یافت که الثاییه‌است و با کسنوفانس آغاز میگردد و اتم‌باورها، پیرهونیه‌ها و اپیکوریه‌ها را دربرمیگیرد.

اثر دیوگنس لائرتیوس گرچه بیشتر به فرقه‌ها میپردازد^(۵۳)، ساختاری براساس سلسله‌ها دارد. کتاب دوم تا هفتم به ایونیه‌ها میپردازد و کتاب هشتم تا دهم به ایتالیاییه‌ها. فیلسوفان نخستین یونان که ایونی هستند و با آنآکسیمندر شروع میشوند - که میگویند شاگرد طالس بوده و به این ترتیب به کتاب اول میپیوندند - در ابتدای کتاب دوم آمده‌اند. ایتالیایی - الثاییه‌ها یعنی هراکلیتوس و کسنوفانس در کتاب هشتم و نهم آمده‌اند. فیثاغورس در کتاب نهم آمده، زیرا احتمالاً شاگرد دموکریتوس بوده و دیوگنس آپولونیایی بدلیل نامعلومی در کتاب نهم بعد از آن فیثاغورس آمده است. ارسطو در متافیزیک 6-984a5 او را به آنآکسیمنس متصل میدانند. اما باید دانست که بررسی دیوگنس بسیار ناعادلانه است، زیرا وی به ایونیه‌های نخستین فصلهای خیلی مختصری اختصاص داده شده و بخشهای الثاییه‌های نخست نیز نسبتاً کوتاه است. فیثاغورس و فیثاغورسیان در فصلهای بغایت مفصلی بحث میشوند و بخش هراکلیتوس و دموکریتوس نیز نسبتاً مفصل است.^(۵۴)

دیوگنس از منابع زمان خودش یا قرنهای نزدیک به خویش اثر گرفته است. عقیده‌نگاریهای کتاب دیوگنس که مربوط به فیثاغورس، امپدوکلس، هراکلیتوس و ۲۲ دموکریتوس است، از زندگی‌نامه‌های مفصلی آمده است که در دسترسش بودند، درحالی که داده‌های زندگی‌نامه‌یی از سایر فیلسوفان که برخی مانند لئوکیپوس جزو سلسله هم بوده‌اند، بسیار اندک بوده است. در جاهایی که نوشته یا آموزه‌یی از فیلسوف در اختیار نبوده، خود زندگی فیلسوف، کارها و کلمات قصارش برای نویسنده کافی بوده است و جایی که در زندگی‌نامه‌ها هم چیزی پیدا نمیشده، آنچه

دیگران میگفتند که او نوشته یا دیگران درباره افکار او گمان میکردند، مرجع کار بوده است. از همینروست که زندگینامه‌نویسی باستان - یا دست‌کم بخشی از آن - از اعتبار افتاده است.^(۵۵)

د) زندگینامه‌نگاری و عقیده‌نگاری؛ هیپولوتوس

از نظر دیلس، عقیده‌نگاری تفاوت آشکاری با زندگینامه‌نگاری (که از نظر او شامل سلسله‌نگاری نیز میشود) دارد. گرچه این حرف خالی از حقیقت نیست، ولی همیشه نیز صادق نیست. لائرتیوس در جلد سوم کتاب *زندگی فیلسوفان نامی* بین *زندگی*^۱ و *نظریات*^۲ افلاطون فرق میگذارد.^(۵۶) ویژگی جالب «زندگیها» بخصوص در سلسله‌نگاریها این است که خوانشهای مختلفی از نسب، مکتب و داشته‌های هر شخص داده شده است. گاه این گونه‌گونیه‌ها جالب توجهند؛ مثلاً پارمنیدس را هم شاگرد کسنوفانس نوشته‌اند و هم فیثاغورسی.^(۵۷) انتخابها بستگی به این دارد که کدام تفسیر از فلسفه یک فیلسوف را که بر جایگاه او در سلسله اثر میگذارد، مهمتر بدانیم.

برخی از مهمترین عقیده‌نگاریهایی که دیوگنس لائرتیوس ذکر کرده، مانند ردیه هیپولوتوس و *استوماتایی*^۳های پلوتارک مجعول بنا بر نظر دیلس، تماماً از تئوفراستوس ریشه گرفته‌اند. ولی این نظر چندان درست نیست.^(۵۸) زیرا پیوستگی این آثار با ادبیات *آموزه‌ها* را نمیتوان نادیده گرفت. این آثار، کتاب دیوگنس لائرتیوس، اثر هیپولوتوس و *استوماتایی*های پلوتارک مجعول، موضوع‌محور نیستند، بلکه شخص‌محورند و از فصل و فرازهایی تشکیل شده‌اند که به یک فرد میپردازند، ولی ساختار *عقیده‌های طبیعی* تئوفراستوس و *آموزه‌های کهن* بر اساس موضوع است.^(۵۹) البته گفته شده رساله‌های گم‌شده‌یی از ارسطو و تئوفراستوس به یک فیلسوف پرداخته‌اند، ولی شاهدی از این رساله‌ها در دست نیست.

دیلس در مورد ردیه هیپولوتوس، فصلهای مربوط به امپدوکلس و هراکلیتوس را

1. *bios*
2. *doxai*
3. *Stromateis*



حسین کلباسی اشتری، بهناز عقلی دهکردی؛ سنت عقیده‌نگاری فیلسوفان باستان یونان

بطور قطع زندگینامه‌ی میداند و نادیده‌شان میگیرد، با اینکه شامل تعدادی پاره‌نوشته کهن مهم هستند که برخی از آنها جای دیگری پیدا نمیشوند. دیلس، هیپولوتوس را تنها در عقیده‌نگاری یونانی آورده، در حالی که پاره‌نوشته‌های کهن در مورد فیلسوفان دیگر در کتاب دیلس - کرنس یافت میشوند.^(۶۰) گرچه منبع هیپولوتوس برای این قطعات مشخص نیست، ولی رویکرد او چندان با رویکرد افلاطون به این دو فیلسوف تفاوت ندارد (رساله سوفیست ۲۴۲d).

ه) منابع دیگر

داده‌های جالب توجهی از جمله چندین نقل قول کهن از هراکلیتوس^(۶۱) دموکریتوس و دیگران در آثار فیلسوف و طبیعی‌دان پیرهونی سکستوس امپریکوس (احتمالاً قرن دوم میلادی) یافت میشوند که بیشترشان رویکرد شناختی دارند. گزارش شعر پارمنیدس را مدیون سکستوس هستیم.^(۶۲) اگرچه باید دانست که او نمیخواست عقاید اشخاص تاریخی را منتقل کند، بلکه هدفش در کل معرفی باورها و ضعفهای جزمی‌اندیشان بود.^(۶۳) فرد دیگر، پلوتینوس^۱ (۲۰۵-۷۰ م.) است که روایتی سودار، نوافلاطونی و در عین حال، مثبت از فیلسوفان نخست یونان ارائه داده است که به نظر او پیشروان افلاطون بوده‌اند. دستچین او شامل کسانی است که در رساله‌های افلاطون از آنها نام برده شده و از برخی نقل قولهای وی چنین برمی‌آید که از منابع اصلی سود جسته است.^(۶۴) کشیش کلمنت اسکندرانی^۲ (آخر قرن دوم میلادی) نیز با نگاه به فیلون اسکندرانی^۳ با نگاهی مثبت به پیشاسقراطیان پاره‌نوشته‌هایی نقل کرده که از آنها برمی‌آید دست کم با درک درست از ادبیات آموزه‌ها به پیشبرد اهداف دینی خود پرداخته است.^(۶۵)

و) شارحان بویژه سیمپلیکیوس

شارحان فلسفی، متنها را توضیح میدادند و اگر در آنها اشاره‌ی به بحثی از فیلسوفی بود، اشارات را هم توضیح میدادند و گاه برای روشن شدن موضوع یا تأیید تفسیرشان

1. Plotinus
2. Clement of Alexandria
3. Philo of Alexandria



شواهدی از آن فیلسوف را هم نقل می‌کردند؛ مثلاً شرح پروکلس^۱ نوافلاطونی بر رساله پارمنیدس افلاطون، پاره‌نوشته‌های کهن مهمی از پارمنیدس را داراست که در جای دیگری یافت نمی‌شوند و او بی‌شک به نسخه‌یی از اثر پارمنیدس دسترسی داشته است.^(۶۶) ولی مهمترین این گونه شرحها، شرح سیمپلیکیوس بر کتاب *طبیعیات*^۲ و کتاب *در باب آسمان*^۳ ارسطوست. سیمپلیکیوس از چند فیلسوف نخستین یونانی در مقیاس بی‌سابقه‌یی بحث میکند و شاید انگیزه او برآمده از این بوده که با تسلط مسیحیت، سنت فرهنگی چندخدایی یونانی، بخصوص سنت فیلسوفان، به محاق رفته است. سیمپلیکیوس تنها منبع پاره‌نوشته‌های کهن از زنون و ملیسوس و بیشتر پاره‌نوشته‌های کهن آناکساگوراس و دیوگنس آپولونیایی و بیشتر پاره‌نوشته‌های مهم پارمنیدس و بسیاری از پاره‌نوشته‌های شعر طبیعی امپدوکلس است؛^(۶۷) گرچه بیشترشان همراه با تفسیرهای نوافلاطونی هستند. اگر او نبود، دانش ما از بسیاری از پیشاسقراطیان بسیار اندک می‌بود. ولی در عین حال، برخی فیلسوفان مانند هراکلیتوس و دموکریتوس هم هستند که سیمپلیکیوس به آثار آنها دسترسی نداشت و نقلهایش درباره آنها از ارسطوست.^(۶۸)

نتیجه‌گیری

برای بررسی پیشاسقراطیان، بعنوان نخستین فیلسوفان و گشاینندگان راه فلسفه، هیچ اثری که از ایشان به دستمان رسیده باشد، وجود ندارد. تنها به متنهای تکه‌تکه‌یی از این مفسر یا آن تاریخ‌نگار یا عقیده‌نگار یا زندگینامه‌نگار دسترسی داریم که هر پاره‌نوشته را در بافتی ناهمسان و در بیشتر موارد ناهمسو با سخن فیلسوف جای داده‌اند. هرمان دیلس سنت عقیده‌نگاری را به کتاب *تئوфраستوس بازمیگرداند*. وی در کتاب *عقیده‌نگاری یونانی* دست به بازسازی *آموزه‌های کهن* می‌زند و براساس این بازسازی، کتاب *پاره‌نوشته‌های پیشاسقراطی* را تدوین میکند. ولی کسانی مانند منسفیلد و زلر به روش دیلس خرده گرفته‌اند. از نظر آنها دیلس، بیش از اندازه نقش *تئوфраستوس* را

۲۵

1. Proclus
2. *Physics*
3. *De Caelo*



حسین کلباسی اشتری، بهناز عقیلی دهکردی؛ سنت عقیده‌نگاری فیلسوفان باستان یونان

برجسته کرده و این سبب شده که تأثیر منابعی مانند هیپاس و گرگیاس سوفیست بر افلاطون و بحث ارسطو در باب عقیده و همچنین بحث علل چهارگانه و سنت سلسله‌نگاری و زندگینامه‌نگاری بر گلچینها و آموزه‌ها و بطور کلی بر سنت عقیده‌نگاری نادیده گرفته شود.

پی‌نوشتها:

1. Guthrie, *A History of Greek Philosophy*, vol. 2, 16.
2. Burnet, *Early Greek Philosophy*, 9.
3. Graham, *The Texts of Early Greek Philosophy*, 46.
4. *Ibid.*, 6.
5. Graham, *The Texts of Early Greek Philosophy*, 7.
6. Barnes, *The Presocratic Philosophers*, 3.
7. Diogenes Laertius, *Lives of Eminent Philosophers*, 3. بسنجید با
8. See: Nietzsche, *The Dawn of Day*, 378.
9. Palmer, *Parmenides and Presocratic Philosophy*, 38.
10. Plato, *Theaetetus*, 166-168.
11. Palmer, *Parmenides and Presocratic Philosophy*, 3.
12. Cherniss, *Aristotle's Criticism of Presocratic Philosophy*, 196.
13. Guthrie, "Aristotle as 96," *Historian torian of philosophy: some Preliminaries*, *Journal of Hellenic Studies*, LXXVII(Pav11), 35-41. بسنجید با
14. McDiarmid, "Theophrastus on the Presocratic Causes", 129.
15. Kirk, et. al., *The Presocratic Philosophers*, 5.
16. *Ibid.*, 2
17. Graham, *The Texts of Early Greek Philosophy*, 10.
18. *Ibid.*, 9.
19. خراسانی، شرف‌الدین، *نخستین فیلسوفان یونان*، ص ۹۳.
20. Philip, "The Fragments of the Presocratic Philosophers", 118.
21. Mansfeld, et. al., *Aëtiana*, 154.
22. Kirk, et. al., *The Presocratic Philosophers*, 1.

۲۳. در یونانی «*physikoi*» خوانده میشد.

24. Long (ed.), *The Cambridge Companion to Early Greek Philosophy*, 22.
۲۵. نخستین فیلسوفان یونان، ص ۸۹.
26. Long (ed.), *The Cambridge Companion to Early Greek Philosophy*, 23.
۲۷. «Doxai» بمعنای عقیده و نظر است و بصورت «dokounta» یا «areskonta» نیز آمده و معادل لاتینی آن «placita» است که آن را به «آموزه‌ها» ترجمه کرده‌ایم.
۲۸. در زبان آلمانی «Altertumswissenschaft» خوانده می‌شود.
29. Kirk, et. al., *The Presocratic Philosophers*, 5.
30. Barnes, Jonathan, *The Presocratic Philosophers*, p.473.
31. Diels, *Doxographi Graeci*, 182.
32. Mansfeld, et. al., *Aëtiana*, 4.
33. Long (ed.), *The Cambridge Companion*, 23.
34. Mansfeld, et. al., *Aëtiana*, 73.
35. Long (ed.), *The Cambridge Companion*, 24.
36. Mansfeld, et. al., *Aëtiana*, 21.
37. See: Diels, *Doxographi Graeci*, 103.
38. Mansfeld, et al. *Aëtiana*, 49.
39. Long (ed.), *The Cambridge Companion*, 26.
40. *Ibid.*
41. Goldhill, *Rethinking Revolutions through Ancient Greece*, 220-224.
42. *Aëtiana 1&2, Studies in the Historiography of Greek Philosophy, Heresiography in Context.*
۴۳. در باب پیوند ارسطو و هیپاس ر.ک: Barnes, *The Presocratic Philosophers*, 4.
- و در باب پیوند ارسطو و گرگیاس ر.ک: Guthrie, *A History of Greek Philosophy*, 2, 102.
- در باب اثرپذیری از گرگیاس ر.ک: *Ibid.*, 347.
- و در باب اثرگذاری هیپاس ر.ک: *Ibid.*, 66, 1.
44. Long (ed.), *The Cambridge Companion*, 41.
- ۲۷ 45. Cherniss, *Aristotle's Criticism of Presocratic Philosophy*, 235-236.
46. *Ibid.*, 240.
47. 105a34-b25. جلد.
48. Mansfeld, et. al., *Aëtiana*, 97.
49. Curd, *the Oxford Handbook of Presocratic Philosophy*, 8.
50. Palmer, John, *Parmenides and Presocratic Philosophy*, p.61.
51. Long, "Heraclitus and Stoicism", 44.



52. Mansfeld, et. al., *Aëtiana*, 127.
53. Diogenes Laertius, *Lives of Eminent Philosophers*, 15, 17.
54. Mejer, "Diogenes Laertius and the Transmission of Greek Philosophy", 3590-3599.
55. Momigliano, *The Development of Greek Biography*, 70.
56. Diogenes Laertius, *Lives of Eminent Philosophers*, 3, 47.
57. *Ibid.*, 4, 21.
58. Mejer, *Diogenes Laertius and his Hellenistic Background*, 83.
59. See: Mansfeld, et. al., *Aëtiana*, 133, note 280.
60. See: Barnes, *The Presocratic Philosophers*, 33.
61. Kirk, et. al., *The Presocratic Philosophers*, 208-209.
62. Mansfeld, "Theophrastus and the Xenophanes Doxography", 134.
63. Long (ed.), *The Cambridge Companion*, 37.
64. Mansfeld, *Heresiography in Context*, 301.
65. Barnes, *The Presocratic Philosophers*, 43.
66. Long (ed.), *The Cambridge Companion*, 38.
67. *Ibid.*, 44.
68. Mansfeld, et. al., *Aëtiana*, 25.

منبع فارسی:

۱. خراسانی، شرف‌الدین، نخستین فیلسوفان یونان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

منابع انگلیسی:

1. Aristotle, *Metaphysics*, W.D. Ross, 2 vols, Clarendon Press, Oxford, 1953.
2. _____, *De Anima, On the Soul*, Mark Shiffman, Hackett Publishing Company, 2011.
3. Barnes, Jonathan, *The Presocratic Philosophers*, revised edn., London, 1982.
4. _____, *Early Greek Philosophy*, London, 1987.
5. Burnet, J., *Early Greek Philosophy*, 4th edn., London, 1930.
6. Cherniss, H., *Aristotle's Criticism of Presocratic Philosophy*, Baltimore, 1935.
7. Curd, P., and Graham, D. W. (eds.), *the Oxford Handbook of Presocratic Philosophy*, New York, 2008.
8. Diels, H., *Die Fragmente der Vorsokratiker*, 6th edn, W. Kranz(ed.), Berlin, 1952.
9. _____, *Doxographi Graeci*, Berlin, 1879.

۲۸

10. Diogenes Laertius, *Lives of Eminent Philosophers*, volume I, books 1-5, translation: Robert Drew Hicks, Loeb Classical Library, 1925.
11. Furley, D. J., and Allen, R. A. (eds.), *Studies in Presocratic Philosophy*, vol. I: *The Beginning of Philosophy*, London, 1970.
12. Goldhill, Simon & Osborne, Robin, *Rethinking Revolutions through Ancient Greece*, Cambridge University, Cambridge, 2006.
13. Graham, Daniel W., *The Texts of Early Greek Philosophy*, Cambridge University Press, New York, 2010.
14. ———, *Explaining the Cosmos: The Ionian Tradition of Scientific Philosophy*, Princeton, 2006.
15. Guthrie, W. K. C., *A History of Greek Philosophy*, vols. 1, 2, 3, Cambridge, 1969.
16. ———, "Aristotle as a Historian of Philosophy: Some Preliminaries," *Journal of Hellenic Studies*, LXXVII (Parl 1), 1957.
17. Harris, Michael H., *History of Libraries of the Western World*, The Scarecrow Press, London, 1999.
18. Hine, H.M., *An Edition with Commentary of Seneca Natural Questions*, II, Ayer Co Pub, New York, 1984.
19. Kirk, G. S., Raven, J. E., and Schofield, M., *The Presocratic Philosophers*, 2nd edn. Cambridge, 1983.
20. Lake, A. and Most, G. W. (eds.), *Studies on the Derveni Papyrus*, Oxford, 1997.
21. Long, A. A. (ed), *The Cambridge Companion to Early Greek Philosophy*, Cambridge, 1999.
22. ———, "Heraclitus and Stoicism," *Stoic Studies*, 35-57, Cambridge University Press, Cambridge, 1996.
23. Mansfeld, J., and Runia, D.T., *Aëtiana: The Method and Intellectual Context of a Doxographer*, volume two, The Compendium, Leiden, Boston, 2009.
24. Mansfeld, J., *Heresiography in Context: Hippolytus' Elenchos as a Source for Greek Philosophy*, Leiden, New York, Cologne, 1992a.
25. ———, *Studies in the Historiography of Greek Philosophy*, Assen, Maastricht, 1990.
26. ———, *Physikai doxai and Problēmata physica from Aristotle to Aëtius (and Beyond)*, Fortenbaugh and Gutas (eds), 1992b.
27. ———, "Theophrastus and the Xenophanes Doxography", *Mnemosyne* 40, 1987.
28. McDiarmid, J. B., "Theophrastus on the Presocratic Causes", *Harvard Studies in Classical Philology*, 61, 1953.
29. Mejer, J., *Diogenes Laertius and his Hellenistic Background*, Wiesbaden, 1978.
30. ———, "Diogenes Laertius and the Transmission of Greek Philosophy", *ANRW (Aufstieg und Niedergang der römischen Welt) II*, no 36, 1992.



31. Momigliano, A., *The Development of Greek Biography*, expanded edition, Cambridge, Mass, 1993.
32. Nietzsche, Friedrich, *The Dawn of Day*, translated by John McFarland Kennedy, The MacMillan Company, New York, 1911.
33. Palmer, John, *Parmenides and Presocratic Philosophy*, Oxford University Press, New York, 2009.
34. Philip, J. A., "The Fragments of the Presocratic Philosophers", *Phoenix*, vol. 10, no. 3 (Autumn), Classical Association of Canada, 1956.
35. Plato, *Theaetetus*, Lewis Campbell, M.A., LL.D., Oxford University Press, London, 1883.
36. Seyffert, Oskar, Nettleship, Henry, and Sandys, John Edwin, *Dictionary of Classical Antiquities, Mythology, Religion, Literature and Art*, S. Sonnenschein and Co, London, 1894.
37. Taylor, C. C. W. (ed.), *Routledge History of Philosophy*, vol. I, *From the Beginning to Plato*, London, 1997.
38. Zeller, E., *Outlines of the History of Greek Philosophy*, trans. Alleyne, Sarah Frances; Abbott, Evelyn, Longmans, Green, London, 1886.